

تأثیر متقابل اخلاق و عمل از دیدگاه قرآن و روایات

سکینه فرهادی^۱

چکیده

اخلاق در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که در قرآن، تربیت و تزکیه انسانها هدف بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی شده و در روایات معصومین نیز به اهمیت آن پرداخته شده است. از طرفی عمل همچون اخلاق عامل سعادت دنیوی و اخروی بوده و همواره در قرآن در کنار ایمان از عمل صالح نیز نام برده شده است. با همه‌ی این تأکیدها، گاه تأثیر این دو بر یکدیگر مورد غفلت قرار می‌گیرد و موجب میشود افراد در اصلاح اخلاق و عمل خویش ناکام باشند؛ از این رو این مقاله با هدف ترسیم تأثیر دوسویه اخلاق و عمل و به روش کتابخانه‌ای-توصیفی گردآوری شده است. در مقاله‌ی پیش رو در ابتدا جایگاه اخلاق در اسلام، سپس تأثیر متقابل اخلاق و عمل در قرآن و بعد از آن در روایات و در نهایت برخی آثار اخلاق در زندگی پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، هریک از ملکات نفسانی، علت و سرچشمه‌ی اعمال متناسب با خویش می‌باشد و از طرف دیگر تکرار عمل سبب شکل‌گیری عادت شده و عادت نیز به تدریج به ملکات نفسانی تبدیل می‌گردد. برخی آثار اخلاق بر زندگی عبارتند از: عزت نفس، طول عمر، برکت، الفت و دوستی و موفقیت.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، عمل، گناه،

^۱سطح دو، مدرسه علمیه راه زینب سلام الله علیها

آموزه های اسلام به طور کلی دربرگیرنده عقاید، احکام و اخلاق می باشد. انبیاء الهی و بالخصوص پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همواره مردم را به صفات نیکو و اعمال پسندیده فراخوانده اند و مکارم اخلاق را هدف رسالت خویش معرفی نموده اند. قرآن نیز همواره تزکیه نفس را بر تعلیم مقدم داشته و آن را از وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله برشمرده است. اخلاق نیکو و عمل صالح در دنیا منجر به حیات طیبه و در آخرت موجب سعادت ابدی است. آنچه اهمیت دارد این است که انسان به منظور نیل به اخلاق حسنه و اعمال صالح باید نسبت به چگونگی دست یابی به آنها آگاهی کافی داشته باشد؛ از این رو ضروری است که بداند اخلاق و عمل او چه تاثیری بر یکدیگر دارند. طبعاً پس از کسب این آگاهی بهتر می تواند در مسیر پیشرفت اخلاقی و اصلاح اعمال خود گام بردارد. در این مقاله تاثیر متقابل اخلاق و عمل بر یکدیگر مورد بررسی قرار می گیرد و به این سوالات پاسخ داده شود:

۱- از دیدگاه قرآن اخلاق و عمل چه تاثیری بر یکدیگر دارند؟

۲- از دیدگاه روایات اخلاق و عمل چه تاثیری بر یکدیگر دارند؟

۳- آثار اخلاق نیک در زندگی انسان چیست؟

در زمینه اخلاق، پژوهش هایی انجام گردیده که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می شود:

۱- تحلیلی بر تاثیر عمل اخلاقی در انسان، نویسنده: مهدی فدایی و سید مجید نظام الدینی. در این مقاله تاثیر رفتار اخلاقی بر هویت و ساختار وجودی انسان با توجه به آیه ۷ سوره ابراهیم بررسی می شود.

۲- تاثیر اخلاق در اندیشه و ادراک انسان، نویسنده محمدعباس زاده جهرمی.

۳- رابطه اعتقاد و اخلاق و عمل، نویسنده سید محمدحسین طباطبایی.

در مقاله پیش رو، رابطه دوسویه اخلاق و عمل تبیین می گردد.

ساختار تحقیق: در این تحقیق ابتدا جایگاه اخلاق در اسلام، سپس تاثیر دوسویه اخلاق و عمل در قرآن و در روایات و در آخر برخی آثار اخلاق حسنه در زندگی انسان مورد بررسی قرار می گیرد.

معنای لغوی اخلاق و عمل

از اخلاق تعریفهای متعدد و متنوعی در دست است که هر کدام به تناسب ناظر بر بعدی از مسأله اخلاق و نشان‌دهنده دید و جهت یک صاحب‌نظر است. ما در این بخش برای اینکه تصویری از نظرات گوناگون و درعین‌حال شمائی کلی از اخلاق داده باشیم به نمونه‌هایی از آنها اشاره خواهیم کرد:

اخلاق حالتی است راسخ و مؤثر در روان انسان که در سایه آن بدون اندیشه و تأمل، افعال و رفتار از بشر ظاهر میشود.^۱ یعنی انسان، افعال متناسب با آن صفت را بی‌درنگ، انجام می‌دهد؛ مثلاً فردی که دارای «خلق شجاعت» است، در رویارویی با دشمن، تردید به خود راه نمی‌دهد.^۲

دیگران نیز گفته‌اند: اخلاق عبارت است از ملکات و صورتهای نفسانی ثابت که از تکرار عمل حاصل میشود.^۳ و با اراده و اختیار صورت می‌گیرد.^۴

اخلاق جمع خلق و به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیدۀ بصیرت قابل درک است. در مقابل خلق به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود.^۵

خلق مفهومی عام دارد؛ یعنی هم فضیلت و هم رذیلت را شامل می‌شود، ولی اگر این واژه به صورت مطلق به کار رود، معمولاً از آن مفهوم فضیلت و خلق نیک فهمیده می‌شود.^۶

به گفته برخی لغویان، عمل عبارت است از هر کاری که از روی قصد انجام گیرد و از نظر گستره اخص از فعل است زیرا فعل بر کار بدون قصد نیز اطلاق میشود.^۷

^۱ قائمی، اخلاق و معاشرت در اسلام، ص ۳۱

^۲ کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان، سیری در سپهر اخلاق، ج ۱، ص ۲۸۷

^۳ قائمی، اخلاق و معاشرت در اسلام، صفحه: ۳۱

^۴ محفوظی، اخلاق اسلامی، ص ۹۳

^۵ کورانی، مفردات الراغب الاصفهانی مع ملاحظات العاملی، ص ۲۹۷

^۶ کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان، سیری در سپهر اخلاق، ج ۱، ص ۲۳۶

^۷ کورانی، مفردات الراغب الاصفهانی مع ملاحظات العاملی، ص ۵۲۹

عمل در کاری گفته میشود که از روی عقل و فکر باشد لذا با علم مقرون میشود ولی فعل اعم است. پس فرق بین عمل و فعل اعم و اخص است. این فرق را از قرآن مجید نیز میشود استفاده کرد که عمل به کارهای ارادی اطلاق شده ولی فعل گاهی در افعال جماد نیز به کار رفته است،^۱ مثل: «بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا»^۲

جایگاه اخلاق در اسلام

مسأله اخلاق و تهذیب نفس، در اسلام، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، به طوری که از اهداف نزول قرآن کریم تربیت اخلاقی، تهذیب انسان و رشد و هدایت جامعه است و خصلتهای اخلاقی را ملاک ارزش انسان می‌داند؛ زیرا در مقام ستایش و تمجید پیامبران الهی، آنان را به جهت دارا بودن صفات اخلاقی نیکو می‌ستاید. برای مثال، حضرت ابراهیم علیه السلام را به خاطر برخورداری از سه صفت عالی اخلاقی ستوده، می‌فرماید: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ»^۳ همانا ابراهیم بردبار، بسیار مهربان و بازگشت کننده (به سوی خدا) بود.

درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۴ همانا تو صاحب اخلاق عظیم و برجسته‌ای هستی.

در اهمیت اخلاق و تزکیه‌ی نفس همین بس که قرآن کریم رمز موفقیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در ایفای رسالت خویش و گسترش توحید، اخلاق نیکوی آن حضرت می‌داند^۵ و می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۶ در پرتو رحمت الهی، تو بامردم مهربان شدی، در حالی که اگر خشن، تندخو و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان جایگاه اخلاق فرموده اند: «الْأَخْلَاقُ وَعَاءُ الدِّينِ»^۷ اخلاق ظرف دین است؛ یعنی دین در ظرف اخلاق پدید می‌آید، رشد می‌کند و باقی می‌ماند.^۸

^۱ قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۴۶

^۲ انبیاء: ۶۳

^۳ هود: ۷۵

^۴ قلم، ۴

^۵ یوسفیان، الهامی نیا، اخلاق اسلامی، ج ۱، ص ۱۶

^۶ آل عمران: ۵۹

^۷ متقی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۳، ص ۳، ح ۵۱۳۷

^۸ یوسفیان، الهامی نیا، اخلاق اسلامی، ج ۱، ص ۱۶

و حتی بعضی از احادیث، داشتن فضایل انسانی و اخلاق نیکو را، مساوی با تمام دین یا نصف دین دانسته و از ریشه دار بودن آن در دین و تعالیم دینی پرده بر می‌دارد، به گونه‌ای که آن را از بخششهای الهی می‌شمارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ الْخُلُقَ مِنْحَةٌ يَمْنَحُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقَهُ» اخلاق، بخششی از خداوند بزرگ است.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «أَنْتُمْ بُعِثْتُمْ لِاتِّمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»^۲ من برای این مبعوث شده‌ام که فضایل اخلاقی را تکمیل کنم. به این ترتیب، یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله همین تکمیل اخلاق نیکوست.

و در روایت دیگری می‌خوانیم که فرمود «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ اخْلَاقاً»^۳ از همه شما محبوب‌تر نزد خدا کسی است که اخلاقش از همه بهتر باشد.

امام باقر علیه السلام: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا»^۴ از میان مؤمنان کسی ایمانش از همه بهتر است که اخلاقش نیکوتر باشد.^۵

اولیاء برای رسیدن به مقامات بالاتر اخلاقی، از درگاه خدا، استمداد می‌کردند. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدا می‌خواست: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِحَسَنِ الْخُلُقِ»^۶ خداوند! به نیکوترین اخلاق هدایت کن.^۷ همچنین ایشان حسن خلق را اینگونه از خداوند طلب می‌کردند «اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خُلُقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي»^۸ خداوند! همان گونه که مرا نیکو آفریدی، خلق مرا (نیز) نیکو گردان.

هنگامی که زمینه‌های مکارم اخلاقی فراهم شود به راحتی می‌توان مردم را به اجرای احکام حق - چه در مرحله‌ی عبادت و چه در مرحله‌ی خدمت به خلق - وادار کرد. زمانی که متکبر را از بیماری کبر علاج کنند، زمانی که دعوت به نماز و روزه و حج و دیگر عبادات شود، به خاطر تواضع و فروتنی‌اش در مدار نماز و روزه و حج و دیگر

^۱ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۷

^۲ همان، ج ۱۶، ص ۲۱۰

^۳ متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال ج ۳، ص ۲، ح ۵۱۳۱

^۴ متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۳، ص ۲، ح ۵۱۳۱

^۵ مکارم شیرازی، انوار هدایت، ج ۱، ص ۲۴۰

^۶ فیض کاشانی، محجّة البیضا فی تهذیب الاحیاء، ج ۵، ص ۹۲

^۷ یوسفیان، الهامی نیا، اخلاق اسلامی، ج ۱، ص ۳۴

^۸ فیض کاشانی، محجّة البیضا فی تهذیب الاحیاء، ج ۵، ص ۹۱

افزون بر این، ایمان آورندگان و درست کاران نیز محبوب آدمیان می‌گردند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا.»^۱ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به‌زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد.

مردم هیچ‌گاه خودخواهان و هوس‌پرستان را دوست نمی‌دارند؛ چراکه اصولاً انسان‌ها بنده احسان و نیکی‌اند. بی‌گمان نرمی و خوش‌خلقی و دلسوزی قلب‌ها را می‌گشاید و حکومت بر دل‌ها را به ارمغان می‌آورد.^۲

علی‌علیه‌السلام فرمود: «مَنْ حَسَنَ خَلْقَهُ كَثُرَ مُحِبُّهُ وَأَنْتِ النَّفْسُ بِه»^۳ کسی که خلقش نیکو باشد، دوستدارانش زیاد شده، انسانها با او انس می‌گیرند.^۴

کسی که اخلاقیات را در نظر دارد، در روابط اجتماعی با تنش کمتری روبه‌روست و ارتباط‌های او نیز از دشمنی و کینه تهی است، از این‌رو در برخورد با دیگران نگران و پریشان نیست و بلکه در مواقع لازم از حمایت و همراهی آنان نیز برخوردار می‌شود.^۵

۵- موفقیت: آراستگی به اخلاق، توانمندی‌هایی در پی می‌آورد که احتمال رسیدن به اهداف را افزایش نسبی می‌بخشد. بی‌گمان اصول اخلاقی موجب تسلط شخص بر نفس و سبب مهار تمایلات پراکنده می‌شود. کسی که نمی‌تواند گرایش‌ها و کشش‌های درونی خود را مدیریت کند، در مسیری که به سوی هدفش کشیده شده، پایدار نمی‌ماند و در میانه راه متوقف می‌گردد و حتی گاه به بیراهه می‌رود. نظم و انضباط کاری، استقامت، صبر، همت بلند، شجاعت و مانند آن عوامل شناخته شده موفقیت‌اند.

علاوه بر این، احتمال دستیابی به اهداف در موارد بسیاری به سرمایه اجتماعی و میزان رابطه با مردم بستگی دارد. کسیکه شیوه‌های اخلاقی مانند نرم‌خویی، احترام، دلسوزی، امانت و صداقت را برمی‌گزیند، بیشتر می‌تواند در تحقق اهدافش از دیگران یاری بجوید.^۶

^۱ مریم: ۹۶

^۲ علیزاده، اخلاق اسلامی، ص ۸۹

^۳ شرح غررالحکم، آمدی، ج ۵، ص ۴۵۱

^۴ یوسفیان، الهامی‌نیا، اخلاق اسلامی، ج ۱، ص ۳۸

^۵ علیزاده، اخلاق اسلامی، ص ۸۳

^۶ همان، ص ۸۴

۶- **امیدواری و ایمنی از احساس پوچی:** هنگامی که انسان در عمل (نه در حوزه باورها و شناخت) برای زندگی هدفی متعالی و غایتی معنوی شناسد و رفتار و منش وی هیچ‌گونه سوگیری فرامادی نداشته باشد و تنها به لذت‌های حیوانی و هواهای نفسانی بیندیشد، دچار ماده باوری شده است که یکی از پیامدهای آن پوچ‌گرایی است. انسان‌های برخورداری که در جوامع آزاد، بدون پایبندی به معیارهای اخلاقی در پی لذت‌طلبی‌اند، پس از کام‌جویی‌های مکرر از این لذایذ دل‌زده می‌شوند و احساس پوچی می‌کنند و حیات را به‌ویژه با توجه به روبه‌رو شدن با پدیده‌هایی نظیر مرگ و بیماری‌های لاعلاج بی‌معنا و بیهوده می‌بینند.

اخلاق نیروهای نهفته و دست‌نخورده درونی انسان را شکوفا و فعال می‌سازد و او را از دل‌بستگی و نگرانی می‌رهاند. انسان اخلاقی هرگز آزمند و متوقع نیست و این خود موجب می‌گردد که ریشه بسیاری از غصه‌ها و نگرانی‌ها از میان برود.

بسیاری از نگرانی‌های ما از این‌روست که مبدا آنچه دوست داریم، از دست بدهیم و یا آنچه تمنایش را در دل می‌پروریم، به‌دست نیاوریم. اخلاق اسلامی از آن جهت که موجب کاهش دل‌بستگی‌های دنیایی می‌شود، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها را از میان می‌برد و آرامش را به جای آن می‌نشانَد.^۱

نتیجه

هدف نزول قرآن تربیت اخلاقی انسانها است و اولیاء در کلام خود اخلاق نیک را مساوی با تمام دین یا نصف دین دانسته‌اند و همواره برای رسیدن به مقامات اخلاقی از خداوند مدد می‌جستند. بر اساس آیات قرآن کریم، اعمال انسان در روح او اثر گذار است به گونه‌ای که تکرار گناه و عمل سوء نه تنها موجب ریختن قبح آن شده و قدرت درک حقایق را از فرد سلب می‌کند و منجر به این می‌شود که سخن حق تأثیری بر فرد نگذارد؛ بلکه باعث می‌شود فرد به گناهان خویش افتخار کند. همچنین قرآن در بیان تأثیر اخلاق بر عمل می‌فرماید: عمل انسان مترتب بر شاکله اوست؛ یعنی فرد بر اساس صفات درونی خود عمل می‌کند. از منظر روایات نیز تکرار عمل سوء منجر به تاریکی روح و زوال عقل می‌گردد؛ به همین دلیل تعجیل در توبه در روایات مورد تأکید قرار گرفته تا پیش از آنکه گناه تبدیل به خلق و خو شود، توبه آثار آنرا از بین ببرد. همانگونه که پرهیز از گناه و تعجیل در توبه در روایات موکد است، مداومت بر عمل صالح نیز سفارش شده تا منجر به شکل‌گیری اخلاق نیک متناسب با آن عمل شود.

^۱ علیزاده، اخلاق اسلامی، ص ۸۵

منابع

*قرآن

*نهج البلاغه، ترجمه دشتی

۱-آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، (مترجم: رسولی، هاشم)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ه ش

۲-انصاریان، حسین، زیبایی های اخلاق، قم، انتشارات دارالعرفان، ۱۳۸۶ ه ش

۳-ابن مسکویه، احمد بن محمد، اخلاق و راه سعادت، تهران، ۱۳۶۹ ه ش

۴-حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، (مصحح: لطفی)، چاپ ۴، ۱۳۶۲ ه ش

۵-خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳ ه ش

۶-دیلمی، احمد، اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴ ه ش

۷-زارعی، مجتبی، مسعودی، عبدالهادی، هدایتی، علی، اخلاق اسلامی، قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، ۱۳۹۹ ه ش

۸-طالقانی، محمود، پرتویی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۴، ۱۳۶۲ ه ش

۹-طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۵، ۱۳۷۴ ه ش

۱۰-طبرسی، علی بن حسن، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۹ ه ش

۱۱-طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، (مترجم: فراهانی)، تهران، چاپ اول، بیتا

۱۲-علیزاده، مهدی، اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ ه ش

۱۳-قائمی، علی، اخلاق و معاشرت در اسلام، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۴ ه ش

۱۴- قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ هـ ش

۱۵- کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان، سیری در سپهر اخلاق، انتشارات صحیفه خرد، قم، ۱۳۸۹ هـ ش

۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، (مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ هـ ش

۱۷- محفوظی، عباس، اخلاق اسلامی، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۸ هـ ش

۱۸- محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۷ هـ ش

۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، موسسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵ هـ ش

۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، انوار هدایت، مجموعه مباحث اخلاقی، قم، موسسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۰ هـ ش

۲۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ هـ ش

۲۲- نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعاده، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۸ هـ ش

۲۳- یوسفیان، نعمت الله، الهامی نیا، علی اصغر، اخلاق اسلامی، قم، ناشر: اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، ۱۳۷۶ هـ ش

منابع عربی

۱- ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، (مصحح: غفاری، علی اکبر)، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه قم، ۱۳۶۳ هـ ش

۲- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ هـ ش

٣-فيض كاشاني، محمدبن شاه مرتضى،محجه البيضاء فى تهذيب الاحياء، بيروت،مؤسسه العلمى للمطبوعات،١٤٠٣ هـ ق

٤-كورانى عاملى، على،مفردات الراغب الاصفهانى مع ملاحظات العاملى،قم،انتشارات دار المعروف، ١٣٩٢ هـ ش

٥-متقى، على بن حسام الدين،كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال،بيروت،مؤسسه الرساله،١٤٠٩ هـ ق

٦-مجلسى،محمدباقر بن محمدتقى،بحارالانوار،(مصحح: مسترحمى، هدايت الله و ديگران)،بيروت، دارالاحياء التراث العربى،١٤٠٣ هـ ق

٧-مفيد،محمدبن محمد، الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد،بيروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث،١٤١٦ هـ ق